

تحلیل و بررسی نقش عدالت فضایی در نواحی پیرامونی بر سازماندهی سیاسی

فضایی پایدار در شهر تهران

معصومه اکبری درگاهی

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

پیروز مجتهدزاده^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجید ولی شریعت پناهی

دانشیار گروه جغرافیا، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۰

چکیده

پدیده‌های انسانی محدود و تک عاملی و گسسته از محیط پیرامون نبوده و شهر به عنوان نمودی مهم از هویت جمعی انسان‌ها از این قاعده مستثنی نیست. با توجه به این مساله هدف این مقاله عبارت است از تحلیل و بررسی نقش عدالت فضایی در نواحی پیرامونی بر سازماندهی سیاسی فضایی پایدار شهر تهران. شهر تهران از جمله کلان شهرهایی است که بیشترین تاثیرپذیری و نیز متقابلاً بیشترین تاثیرگذاری را از نواحی پیرامونی در مباحثی مانند جمعیت، مسکن، الودگی هوا، مسائل سیاسی مانند انتخابات، مسائل فرهنگی مثل پوشش... و مسائل اقتصادی داشته است. سوال اصلی مقاله حاضر این است که نقش نواحی پیرامونی در سازماندهی سیاسی فضایی پایدار در شهر تهران چیست؟ روش این مقاله توصیفی تحلیلی است که با استفاده از پژوهش‌های انجام شده و آمارها و نقشه‌های موجود سعی خواهد مساله پژوهش تحلیل و تبیین شود. فرضیه مقاله برای پاسخگویی به سوال فوق این است که شهر سیستمی باز است که با محیط پیرامون خود دارای تبادل است که در نتیجه هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای ساماندهی سیاسی و فضایی مولفه‌های جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی آن نیازمند پرداختن به دلایل آن در فضاهای پیرامونی است. نتایج این مقاله نیز نشان می‌دهد که تهران به دلیل ربایش منابع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... نواحی پیرامونی، هم آن‌ها را دچار ناعدالتی می‌کند و هم خود در سازماندهی سیاسی فضایی پایدار با چالش روبرو شده است.

کلیدواژگان: نواحی پیرامونی، عدالت فضایی، ربایش و جذب، سیستم شهری، سازماندهی پایدار شهری.

مقدمه

مفهوم عدالت و برابری، یکی از بحث‌برانگیزترین مفاهیم در طول تاریخ اندیشه سیاسی است و در باره آن تفاسیر و نظریه‌پردازی‌های فراوانی انجام شده است. به عبارت دیگر از زمانی که نابرابری بین انسان‌ها به وجود آمده، اصطلاح برابری و کوشش برای برقراری عدالت نیز شکل گرفته است (اجلالی و همکاران، ۱۳۹۱). اهمیت مسئله عدالت اجتماعی، زمانی بیشتر می‌گردد که در فضاهای انسانی چون شهرها به کار گرفته شود. امروزه، شهرها صرف نظر از موقعیت جغرافیایی و ساختار اقتصادی و سیاسی خود به صحنه‌ای از تضادهای اجتماعی بدل شده‌اند. طبقات متمایز اجتماعی کاملاً از یکدیگر فاصله گرفته‌اند و پیوسته شکاف میان فقیر و غنی بیشتر می‌شود (حیدریان، ۱۳۸۹؛ ۳). در کشورهای صنعتی، همه تسهیلات رفاهی اساسی با هزینه‌های مناسب در دسترس ساکنان شهری است. در مقابل در کشورهای در حال توسعه، بیشتر شهروندان دسترسی مناسبی به خدمات اساسی ندارند (Harvey, 1973). در بسیاری از نواحی دارای رشد شهرنشینی شتابان در کشورهای جهان سوم، تقاضا برای خدمات عمومی خیلی بیشتر از ظرفیت عمومی و امکانات خصوصی وضع موجود است. بر اساس این، استدلال می‌شود که در بعضی از شهرها، وضعیت بحرانی به سرعت در حال وقوع است. این موضوع، علاوه بر کمبود منابع، نتیجه رشد برنامه‌ریزی‌نشده و الگوی نامناسب توزیع خدمات است (Takahashi, 1999: 272 & Danieri).

شهر، موجود زنده‌ای است که زمینه‌ساز رشد و تعالی ساکنان و یا موجب سقوط شخصیتی آن‌ها می‌شود و خدمات و امکانات شهری در این راستا، نقش زیادی دارند (Harvey, 1990). خدمات و امکانات، فرصت‌هایی هستند که باید در شهرها به صورت برابر و عادلانه توزیع شود تا عدالت اجتماعی، اقتصادی و فضایی در مناطق شهری برقرار شود. توزیع نامناسب خدمات نه تنها باعث برهم خوردن جمعیت و توازن آن در شهر می‌شود، بلکه فضاهای شهری را متناقض با عدالت در ابعاد اجتماعی و اقتصادی شکل می‌دهد (وارثی و دیگران، ۱۳۸۷؛ ۱۴۴). این نابرابری و نبود تعادل در شهرها طبیعی است و از بین بردن آن اگر اغراق نباشد غیرممکن است؛ ولی این امکان وجود دارد که به حداقل برسد (مثنوی، ۱۳۸۲؛ ۹۰). جمعیت‌پذیری شهر تهران با کشف منابع جدید درآمد شتاب گرفت و شهرها به گسترش فضایی - کالبدی گسترده‌ای دست زدند؛ این در حالی بود که ارائه تسهیلات و خدمات شهری هم‌پای رشد جمعیت و گسترش فضایی - کالبدی شهرها نبوده و به از هم‌پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی منجر شده است - (نظریان، ۱۳۸۸؛ ۱۲۷). این موضوع، زمینه‌ساز نابرابری اجتماعی شهروندان در برخورداری از خدمات شده و مسایل حاد بهداشتی، آموزشی، مسکن و اشتغال در شهرهای پرجمعیت را به وجود آورده است؛ در نتیجه تعادل در روابط اجتماعی و انسانی بین ساکنان شهرها برهم خورده است (Harvey, 1996). همچنین شهرها با کمبود شدید خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی و غیره روبه‌رو شده‌اند و در نهایت بی‌عدالتی در دسترسی به خدمات پیش روی شهروندان قرار گرفته است (قره‌نژاد، ۱۳۷۶؛ ۹۲). منطقه ۶ شهر تهران به دلیل آشفتگی در توزیع کاربری‌های خدماتی، محیط نابرابری را برای شهروندان به وجود آورده است. این مسئله به ایجاد نابرابری فضایی و نابه‌سامانی در شیوه اسکان و استقرار جمعیت و فعالیت و توزیع ناعادلانه خدمات انجامیده است (Harvey, 2008). با توجه به رشد سریع کالبدی و جمعیتی شهر، مدیریت شهری نیز به دلایلی از جمله کمبود منابع مالی، ظرفیت پایین نهادی شهرداری، قادر به تأمین تسهیلات عمومی برای شهروندان نبوده است. با نگاه کوتاهی به وضعیت توزیع کاربری‌ها در سطح محلات، توزیع فضایی نابرابر از لحاظ شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، کالبدی به چشم

می‌خورد (Hayek, 1960). از سوی دیگر به سبب قرارگرفتن این منطقه در مرکز شهر تهران، گرایش به استقرار فعالیت‌ها و کاربری‌های مقیاس فرامنطقه به حذف تدریجی کاربری‌های محله‌ای منجر شده است (مهندسان مشاور نقش جهان - پارس، ۱۳۸۲؛ ۳۹). بنابراین برای جلوگیری از ناپایداری و نابرابری‌های فضایی باید ساختار فضایی محیط‌های شهری را به سوی تعادل فضایی در ابعاد مختلف سوق داد. در این راستا نظام مدیریت شهری، مسئول توزیع خدمات است و باید با خدمات‌رسانی بهتر رضایتمندی هر چه بیشتر شهروندان کشور را به دست آورد (Lefebvre, 2000). مهم‌ترین راه دست‌یابی به این هدف، آگاهی از وضعیت توزیع خدمات و وضعیت عدالت فضایی در سطح شهر است تا از این طریق، مدیریت شهری با عمل آگاهانه خود از نابرابری‌های موجود در توزیع خدمات کاسته، زمینه رشد متوازن مناطق را فراهم آورد (دادش‌پور و رستمی، ۱۳۹۰؛ ۳). سوال اصلی مقاله حاضر این است که نقش نواحی پیرامونی در سارماندهی سیاسی فضایی پایدار در شهر تهران چیست؟ روش این مقاله توصیفی تحلیلی است که با استفاده از پژوهش‌های انجام شده و آمارها و نقشه‌های موجود سعی خواهد مساله پژوهش تحلیل و تبیین شود.

رویکرد نظری

توسعه پایدار مفهومی است که به واسطه پیامدهای منفی محیط زیستی و اجتماعی ناشی از رویکردهای توسعه یک جانبه اقتصادی بعد از انقلاب صنعتی و تغییر نگرش بشر به مفهوم رشد و پیشرفت پدید آمده است (بهرام‌پور، ۱۳۹۳). این مفهوم تلاش دارد که با نگاهی جدید به توسعه، اشتباهات گذشته بشری را تکرار نکند و توسعه ای همه جانبه و متوازن را رقم بزند. توسعه پایدار فرایندی است که آینده‌ای مطلوب را برای جوامع بشری متصور می‌شود که در آن شرایط زندگی و استفاده از منابع، بدون آسیب رساندن به یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام‌های حیاتی، نیازهای انسان را برطرف می‌سازد (پورعزت، ۱۳۸۵). توسعه پایدار راه حلهایی را برای الگوهای فانی ساختاری، اجتماعی و اقتصادی توسعه ارائه می‌دهد تا بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبیعی، تخریب سامانه‌های زیستی، آلودگی، تغییرات آب و هوایی، افزایش بی‌رویه جمعیت، بی‌عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان‌های حال و آینده جلوگیری کند (Marcuse, 2009). توسعه پایدار فرایندی است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، جهت‌گیری توسعه فناوری و تغییرات نهادی، با نیازهای حال و آینده سازگار باشد (خردوری، ۱۳۹۴). توسعه پایدار که از دهه ۱۹۹۰ میلادی بر آن تأکید شد جنبه‌ای از توسعه انسانی و در ارتباط با محیط زیست و نسل‌های آینده است. هدف توسعه انسانی پرورش قابلیت‌های انسانی محسوب می‌شود. توسعه پایدار به عنوان یک فرایند در حالی که لازمه بهبود و پیشرفت است، اساس بهبود وضعیت و رفع کاستی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع پیشرفته را فراهم می‌آورد و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع و به ویژه کشورهای در حال توسعه باشد (Soja, 2013). توسعه پایدار سعی دارد به پنج نیاز اساسی زیر پاسخ گوید: تلفیق حفاظت و توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی انسان، دست‌یابی به عدالت اجتماعی، خودمختاری و تنوع فرهنگی و حفظ یگانگی اکولوژیکی (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴). توسعه پایدار فرایندی است برای بدست آوردن پایداری در هر فعالیتی که نیاز به منابع و جایگزینی سریع و یکپارچه آن وجود دارد. توسعه پایدار در کنار رشد اقتصادی و توسعه بشری در یک جامعه یا یک اقتصاد توسعه یافته، سعی در تحصیل توسعه

مستمر، و رای توسعه اقتصادی دارد. اصطلاح توسعه پایدار^۱ اولین بار توسط باربارا وارد (B.Ward_Cocoyoe-1970) در اعلامیه کوکویاک درباره محیط زیست و توسعه بکار رفت. بدنبال آن پس از گزارش‌های باشگاه رم (modoze, 75) و بنیاد هامرشولد (Daghammarskjold,75) به تدریج توسعه پایدار در طی سال‌های دهه ۱۹۸۰ و از زمانی که اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی (IUCN-82)، راهبردهای جهانی از محیط زیست و منابع طبیعی با هدف کلی دستیابی به توسعه پایدار را از طریق حفاظت از منابع حیاتی (زنده) را ارائه کرد، مورد توجه جدی و اساسی اندیشمندان و متفکران توسعه قرار گرفت (سن، ۱۳۹۰).

با گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه موسوم به گزارش براندتلند در سال ۱۹۸۷ برای اولین بار به‌طور رسمی مجموعه‌ای از پیشنهادها و اصول قانونی جهت دستیابی به توسعه پایدار برای کشورهای در حال توسعه فراهم آمد (Dufaax, 2008). سپس موضوع توسعه پایدار در کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست و توسعه در شهر ریودوژانیرو (بعنوان اجلاس زمین) بطور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفت و اداره و بهره‌برداری صحیح و کارا از منابع پایه، طبیعی و مالی و ... برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب در صدر برنامه‌های جهانی قرار داد (سندل، ۱۳۹۳). بر اساس نتایج این اجلاس، اهداف اساسی مبتنی بر مفهوم توسعه پایدار بدین شرح اعلام شد:



منبع: (شرکت عمران و توسعه آذربایجان، ۱۳۹۳)

شاخصه‌های توسعه پایدار را می‌توان در چهار گروه: اجتماعی، اقتصادی، بنیادی و زیست‌محیطی مطرح و بررسی نمود. واژه sustain به معنی پایدار می‌باشد و همچنین در فارسی به معنای حیات، زنده نگهداشتن، استمرار و آنچه که می‌تواند در آینده تداوم داشته باشد، است (Ebrahimabadi, 2008). یک ایده و اصطلاح بسیار گسترده، که معانی متفاوت و بسیاری دارد، در نتیجه فراوانی این معانی، صاحب‌نظران واکنش‌های فراوان و متفاوتی را در این حیطه ارائه کرده‌اند (شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۳). مفهوم توسعه پایدار، یک نوع تلاش برای ترکیب مفاهیم در حال رشد حوزه‌های از موضوعات محیطی در کنار موضوعات اجتماعی-اقتصادی می‌باشد. توسعه پایدار یک تغییر مهم در فهم رابطه

¹ . Sustainable development

انسان و طبیعت و انسان‌ها با یکدیگر است. این مسئله با دیدگاه دو قرن گذشته انسان که بر پایه جدایی موضوعات محیطی و اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته بود در تضاد است. در دو قرن گذشته، این تصور حاکم بود که محیط به‌طور عمده به عنوان یک عامل خارجی و تنها برای استفاده و استثمار انسان در نظر گرفته می‌شد (صدر، ۱۳۶۰). در این دیدگاه، ارتباط انسان و محیط، به صورت غلبه انسان بر طبیعت بوده و بر این باور استوار بود که دانش و فناوری بشر می‌تواند بر تمام موانع محیطی و طبیعی برتری یابد. این دیدگاه مرتبط با توسعه سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی و علم مدرن می‌باشد. همان‌طور که بیکن یکی از پایه‌گذاران علم مدرن، آن را مطرح می‌کند: جهان برای بشر ساخته می‌شود و نه بشر برای جهان. دیدگاه مدیریت محیطی بر پایه مدیریت منابع طبیعی بود که تصدیق می‌کرد، بشر نیاز به منابع طبیعی دارد و این منابع می‌بایست به جای استفاده سریع و بدون برنامه، به درستی مدیریت شوند تا حداکثر استفاده از آن‌ها طی سالیان طولانی میسر گردد (فریدمن، ۱۳۸۷). همچنین علم اقتصاد بر موضوع ارتباط انسان و رشد اقتصادی تأکید دارد، که در نتیجه آگاهی و استفاده از آن، موجب افزایش تولیدات، به عنوان یک اولویت، مطرح می‌گردد. این نگرش، کلیدی بود برای ایجاد رفاه در زندگی بشر چون از طریق رشد اقتصادی، فقر و تهیدستی می‌توانست از میان برود. مفهوم توسعه پایدار، حاصل رشد و آگاهی از پیوندهای جهانی، مابین مشکلات محیطی در حال رشد، موضوعات اجتماعی، اقتصادی، فقر و نابرابری و نگرانی‌ها درباره یک آینده سالم برای بشر است (Soja, 2010). توسعه پایدار، مسائل محیطی، اجتماعی و اقتصادی را به هم پیوند می‌دهد (لینچ، ۱۳۸۱). توسعه پایدار، در کمیسیون استراتژی حفاظت جهان که توسط اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت طبیعت در سال ۱۹۸۰ میلادی تشکیل شده بود، مدون گردید. به علاوه، با این موضوع توسط کمیته جهانی توسعه و محیط عناوین آینده مشترک ما، در سال ۱۹۸۷ میلادی و حفظ زمین در سال ۱۹۹۱ میلادی، نیز مطرح گشته‌است. در سال ۱۹۷۸ میلادی، کمیته جهانی توسعه و محیط یا همان کمیسیون برون‌دلدن تعریف جامع از توسعه پایدار ارائه می‌دهند که بنا بر آن بشریت توانایی توسعه پایدار را دارد اگر بتواند تضمین کند نیازهای حال را بدون به خطر افتادن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان، فراهم می‌آورد (مهندسین مشاور نقش محیط، ۱۳۹۰). از زمان کنفرانس سازمان ملل با عنوان توسعه و محیط که در سال ۱۹۹۲ میلادی در ریو برگزار شد، عنوان «توسعه»، به یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین کلمات در مباحثات تبدیل شده‌است. در سال ۱۹۹۲ در «کنفرانس زمین» توسعه پایدار چنین تعریف شد: رفع نیازهای نسل حاضر بدون مصالحه با نسل‌های آینده در راستای تأمین نیازهایشان. کمیسیون جهانی محیط زیست، توسعه پایدار را این‌گونه تعریف می‌کند: «توسعه پایدار فرایند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد». (میرجانی، ۱۳۸۹). کمیسیون «بروندلدن» درباره توسعه پایدار می‌گوید: «توسعه پایدار به عنوان یک فرایند، لازمه بهبود و پیشرفت وضعیت و از میان بردن کاستی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع پیشرفته‌است و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع، به ویژه کشورهای در حال توسعه باشد». (عباسپور، ۱۳۸۶: ۱۰۰۸) توسعه پایدار توسعه‌ای است که بتواند نیازهای فعلی سازمان را بدون خدشه‌دار کردن به توانایی‌های نسل آینده در برآورد ساختن نیازهایشان پاسخ گوید. در این تعریف حق هر نسل در برخورداری از همان مقدار سرمایه طبیعی که در اختیار دیگر نسل‌ها قرار داشته به رسمیت شناخته شده و استفاده از سرمایه طبیعی در حد بهره آن مجاز

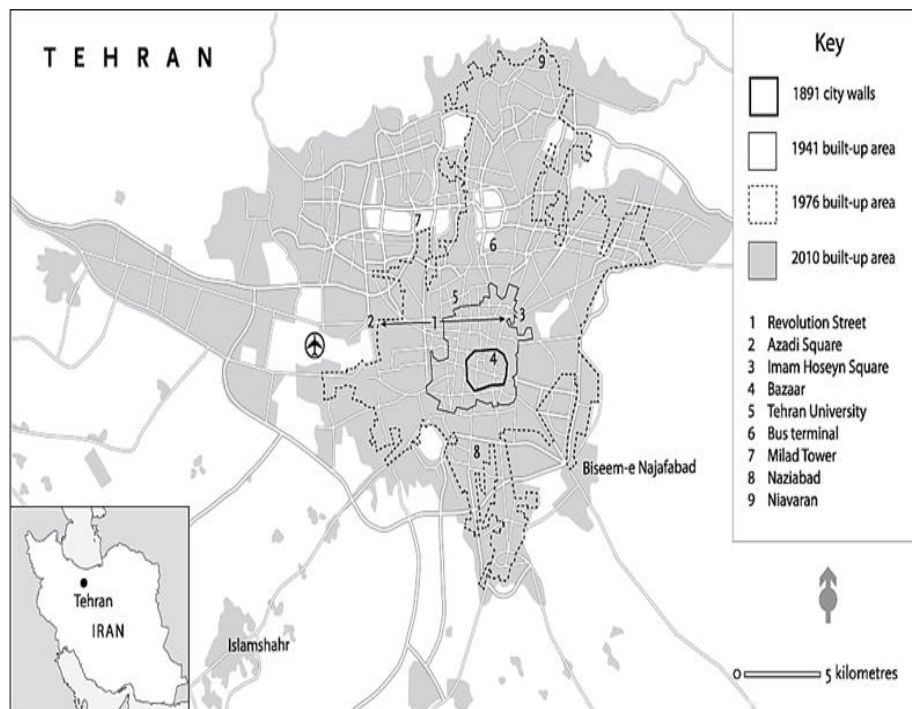
شمرده شده‌است. توسعه پایدار چشم‌اندازی مهم و جدید در مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی است که بطور گسترده‌ای خارج از ایالات متحده ظهور یافته است (هیلیر، ۱۳۸۸). این مفهوم تلاش می‌کند تا به نحو روشنتری نتایج آینده رفتارهای کنونی را مورد توجه قرار دهد. توسعه پایدار زمینه‌های مختلفی را مورد توجه قرار می‌دهد: تأثیر گازهای گلخانه‌ای، تغییرات آب و هوایی، تخریب لایه ازن، تخریب زمین، کاهش منابع غیر تجدید پذیر، آلودگی هوای شهرها. (راو، ۲۰۰۰: ۸۱) پایداری وضعیتی است که در آن مطلوبیت و امکانات موجود در طول زمان کاهش نمی‌یابد و به توانائی اکوسیستم‌ها برای تداوم کارکرد در آینده نامحدود مربوط می‌شود بدون آنکه به تحلیل منابع یا استفاده بیش از حد منابع منجر شود. «پایداری، شرایطی است که در آن سیستم‌های اجتماعی و طبیعی در کنار هم و به شکل نامحسوس کار می‌کنند. اما این مفهوم هنوز هم توسط برخی سازمان‌های بین‌المللی مثل بانک جهانی در زمینه چشم‌انداز رشد مورد استفاده قرار می‌گیرد». توسعه پایدار یک ایده و اصطلاح گسترده‌است که معانی متفاوتی دارد همین موضوع موجب برانگیزش واکنش‌های مختلف در این زمینه شده‌است (یعقوبی، ۱۳۸۸). مفهوم توسعه پایدار تلاشی برای ترکیب مفاهیم در حال رشد حوزه‌ای از موضوعات محیطی با موضوعات اجتماعی اقتصادی می‌باشد. مفهوم توسعه پایدار را می‌توان تغییر در فهم رابطه انسان و طبیعت و انسان‌ها با یکدیگر دانست. این مسئله در تضاد کامل با دیدگاه‌های دو قرن گذشته انسان است (حیدریان و همکاران، ۱۳۸۹). در دو قرن گذشته محیط یک موضوع خارجی و جدا نسبت به انسان‌ها تلقی شده‌است در این دیدگاه رابطه انسان و محیط را می‌توان بر این باور دانست که انسان باید با غلبه کامل بر طبیعت زندگی کند و باور بر این بوده‌است که انسان می‌باید باقوه تفکر و دانش خود بر تمام موانع محیطی فایق آید و برای خود در طبیعت حکمرانی کند. همچنین این دیدگاه با تأثیراتی بر توسعه سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی علم مدرن ادامه یافت. همین‌طور که بیکن یکی از پایه‌گذاران علم مدرن آن مطرح می‌کند و بر این باور است که (جهان برای بشر نه بشر برای جهان) (فلامکی ۳۰۰: ۱۳۸۱) بشر باید با برنامه‌ریزی و مدیریت بر منابع طبیعی استفاده از این سرمایه را طولانی و دراز مدت کند. علم اقتصاد از علومی است که بر موضوع ارتباط انسان و رشد اقتصادی حاکم است و علم اقتصاد را می‌توان کلیدی دانست برای وجود رفاه در زندگی انسان و از طریق رشد اقتصادی فقر و تهیدستی می‌توان از بین برد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶). حساسیت واژه توسعه را می‌توان بعد از کنفرانس سازمان ملل با عنوان توسعه محیط دانست که در پشت این واژه مفاهیمی پنهان است که از یک طرف می‌توان آن را به عنوان تلاشی در جهت حل مسائل محیطی و علوم طبیعی اکولوژی و نگرانی درباره حفاظت طبیعت و از دیگر سویی دیگر مشکلات فقر و بحران اقتصادی جهان سوم دانست. توسعه پایدار که توسط اتحادیه بین‌المللی برای حفظ طبیعت در سال ۱۹۸۰ میلادی تشکیل گردید مطرح شد. چالش این اتحادیه که استراتژی حفاظت جهان است از لحاظ تئوری کمک شایانی به توسعه پایدار کرد. در سال ۱۹۸۷ میلادی کمیته جهانی توسعه محیط به نام (آینده مشترک ما) را گزارش کرد که حاکی از تعریف جامعی از توسعه پایدار است: بشریت توانایی توسعه پایداری را دارد تا تضمین کند که نیازهای حال را بدون به خطر افتادن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان فراهم نمایند (مثنوی، ۱۳۸۲). برخی دیگر از صاحب نظران پایداری را نوعی نگرش به آینده می‌دانند که در واقع نقشه مسیری می‌باشد که بر روی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول اخلاقی و معنوی متمرکز است (مرصوصی، ۱۳۸۳). توسعه پایدار یک حالت ثابت از هماهنگی را ندارد، بلکه دارای یک فرایند تغییر در چیزی است که استخراج از معادن جهت سرمایه‌گذاری و راهبردی توسعه تکنولوژی و تغییر نهادی را سازگار با

نیازهای آتی همانند نیازهای امروز می‌سازد (مهندسان مشاور نقش جهان- پارس، ۱۳۸۲). توسعه پایدار را با دو عامل تعیین‌کننده می‌توان شناخت: مفهوم نیازهای اولیه چون غذا و لباس که با این عوامل می‌توان شرایط زندگی اولیه را فراهم کرد. مفهوم سازگاری تقاضای منابع فناوری و سازماندهی اجتماعی با توانایی محیط برای تأمین نیازهای آینده را می‌پذیرد. دیدگاه‌های مختلف برای زندگی پایدار چالش معماری پایدار در ارتباط با ایجاد یک راه جامع برای دستاوردهای محیطی و در عین حال برای بدست آوردن سطح کیفیت زندگی و ارزش‌های فرهنگی اقتصادی اجتماعی می‌باشد (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷).

محیط مورد مطالعه

استان تهران به مرکزیت شهر تهران، با وسعتی حدود ۱۲۹۸۱ کیلومتر مربع، بین ۳۴ تا ۳۶.۵ درجه عرض شمالی و ۵۰ تا ۵۳ درجه طول شرقی واقع شده است. این استان از شمال به استان مازندران، از جنوب به استان قم، از جنوب غربی به استان مرکزی، از غرب به استان البرز و از شرق به استان سمنان محدود است. جمعیت این استان طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۱۳۲۶۷۶۳۷ نفر بوده است که ۱۲۴۵۲۲۳۰ در نقاط شهری و ۸۱۴۶۹۸ در نقاط روستایی ساکن هستند. مرکز این استان شهر تهران است. شهر تهران پایتخت کشور ایران نیز به‌شمار می‌رود (حمیدی و امیرانتخابی، ۱۳۸۹: ۵).

نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی شهر تهران

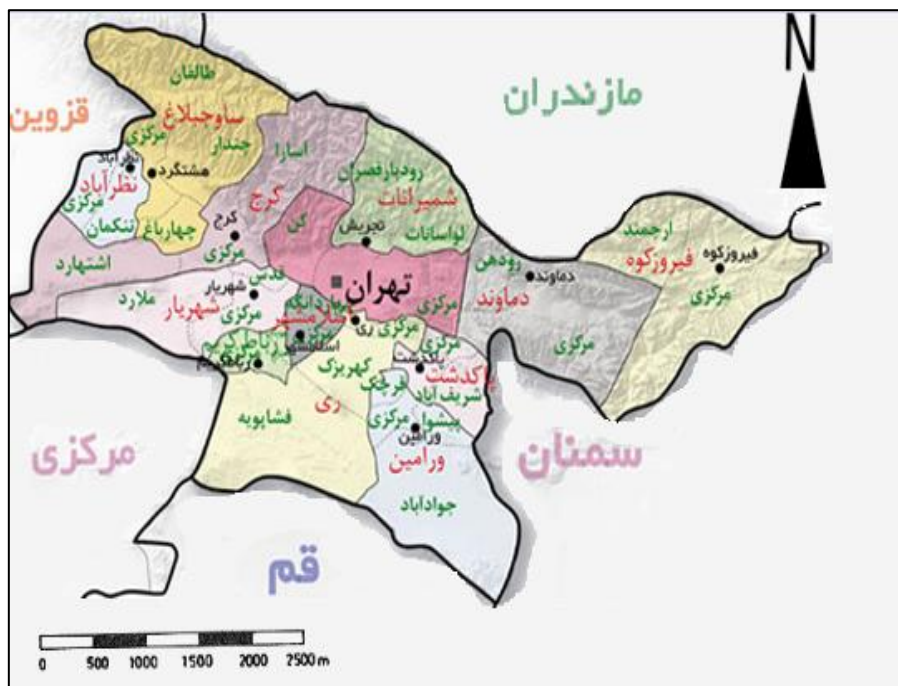


منبع: (<https://newleftreview.org>)

استان تهران با بیش از ۱۳ میلیون نفر جمعیت، ۵/۱۷ درصد جمعیت کل کشور را در خود جای داده است. از این میزان، ۲۵۲۱۲ هزار نفر در مناطق شهری و ۱۶۱/۱ هزار نفر در مناطق روستایی آن ساکن هستند. ۶/۶۳ درصد از جمعیت شهری استان تهران در شهر تهران و مابقی در ۴۴ شهر دیگر استان ساکن هستند (مرصوصی، ۱۳۸۳). رشد جمعیت شهر تهران ۱/۴ درصد است که در مقایسه با دهه قبل اندکی افزایش یافته است. میان شهرهای استان تهران،

شهریار با ۸/۱۶ درصد رشد سالیانه، در مقام اول رشد قرار دارد و کمال شهر با ۴/۱۱ درصد، ملارد با ۱۰ درصد و پاکدشت با ۹/۹ درصد و صفادشت با ۸/۸ درصد رشد سالانه در مقام‌های بعدی قرار دارند. در طول دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ ده شهر به شهرهای استان تهران اضافه شده‌اند که بزرگ‌ترین آن‌ها شهرهای اندیشه، صالح‌آباد و باغستان و نصیرآباد با ۷۵ هزار، ۵۴ هزار، ۵۲ هزار، ۲۳ هزار نفر و کوچک‌ترین آن‌ها شهر ارجمند با ۱۷۰۰ نفر بوده‌است. استان تهران امروزه دارای ۱۶ شهرستان، ۴۵ شهر و ۷۸ دهستان است (همان، ۱۳۸۹: ۵).

نقشه ۲: تهران و شهرهای پیرامونی

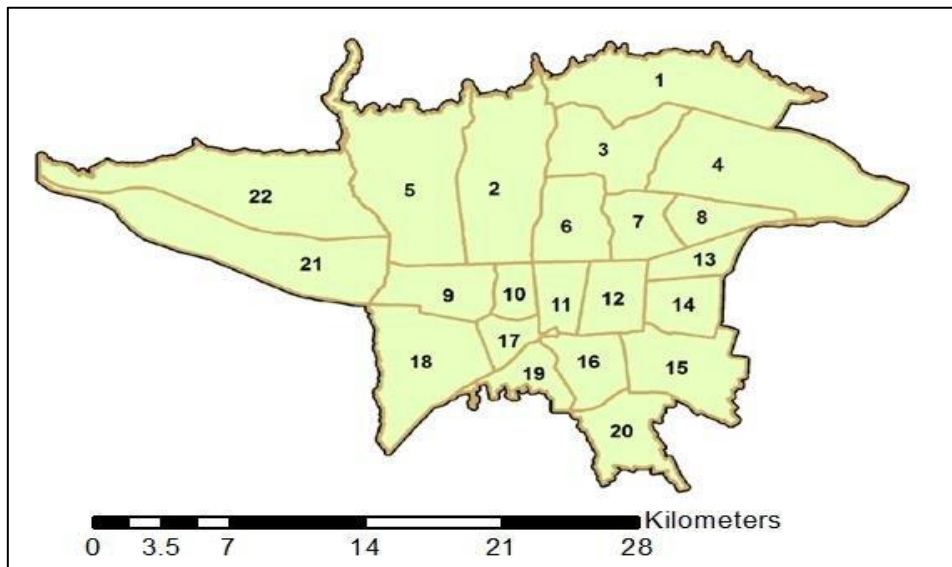


منبع: (<https://link.springer.com>)

تهران بزرگ‌ترین شهر و پایتخت ایران، مرکز استان تهران و شهرستان تهران است. جمعیت شهر تهران طبق سرشماری سال (۱۳۹۵) بالغ بر ۸۶۹۳۷۰۶ نفر و مساحت ۵۷۴ کیلومتر مربع است. تهران بیست و پنجمین شهر پرجمعیت جهان به شمار می‌آید. در جنوب دامنه رشته‌کوه البرز در ۱۱۲ کیلومتری جنوب دریای خزر واقع شده است. این شهر دارای ۳۷۴ محله، یک شبکه متراکم بزرگراهی و ۷ خط فعال مترو و ۸ خط در حال ساخت مترو است که در سال ۱۳۹۴، ۷۱۷ میلیون مسافر را جابه‌جا کرده‌اند (مرصوصی، ۱۳۸۳). پیشینه شکوفائی تهران به سال ۱۷۸۸ م هنگامی که آغا محمد خان قاجار آن را به پایتختی برگزید، بازمی‌گردد. سپس در روزگار رضا شاه پهلوی با شتاب بیشتری گسترش یافت و مردم بسیاری از استان‌ها پیرامونش را جذب نمود. از دهه ۱۹۶۰ م، مرکز جذب مهاجران زیادی از سراسر ایران بوده است (همان، ۱۳۸۳: ۹۵ - ۱۰۶).

ساختار اداری ایران در تهران متمرکز شده است. تهران به ۲۲ منطقه، ۱۳۴ ناحیه (شامل ری و تجریش) و ۳۷۴ محله تقسیم شده است. نماد شهر تهران برج آزادی است. برج میلاد نیز نماد دیگر آن به حساب می‌آید. تهران میزبان نزدیک به نیمی از فعالیت‌های صنعتی ایران است، کارخانجاتی در زمینه تجهیزات خودرو، برق و الکترونیک، منسوجات، شکر، سیمان و مواد شیمیایی در این شهر واقع شده‌اند، تهران همچنین بازار بزرگ فرش و محصولات مبلمان در سراسر ایران است (مثنوی، ۱۳۸۲).

نقشه ۳: تقسیمات شهر تهران



منبع: (<https://www.researchgate.net>)

در جنوب حومه تهران یک پالایشگاه نفت به نام پالایشگاه نفت تهران وجود دارد. در تهران و حومه، اماکن تاریخی مذهبی نظیر مساجد، کلیساها، کنیسه‌ها و آتشکده‌های زرتشتیان قرار گرفته‌است. در فهرست گران‌ترین پایتخت‌های دنیا در سال ۲۰۰۸ میلادی، تهران در پله آخر قرار داشت (مثنوی، ۱۳۸۲). تهران همچنین در فهرست گران‌ترین شهرهای دنیا و بر مبنای شاخص هزینه‌های زندگی، در پله یکی مانده به آخر جای دارد. همچنین هزینه متوسط خانوار در تهران دو برابر دیگر استان‌های ایران است. تهران از جهت تولید ناخالص داخلی رتبه پنجاه و ششم و با لحاظ کردن جمعیت منطقه شهری، رتبه بیست و نهم را در بین شهرهای دنیا دارد. مردم تهران ۳۳ درصد از مالیات کشور را پرداخت می‌کنند (ابراهیم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۶). بیگمان دگرگونی‌های بنیادین در تهران از سال ۱۳۰۰ به بعد ایجاد شده است که به چهار دوره کاملاً جدا تقسیم می‌شود. سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ که در پی آن خندق‌ها و دروازه‌ها از میان برداشته شد و شهر از چهار سوی رو به گسترش نهاد و اندکی شکل منظم و هندسی یافت. همچنین ساختمان‌ها و تأسیسات بانک ملی (از آن میان ساختمان صندوق بانک ملی ایران)، وزارت امور خارجه، شهربانی کل کشور، ایستگاه راه‌آهن، دانشگاه تهران، ایستگاه فرستنده رادیو تهران، باشگاه افسران و چند بیمارستان مربوط به این دوره است (مثنوی، ۱۳۸۲). هوای تهران در مناطق کوهستانی دارای آب و هوای معتدل و در دشت، نیمه بیابانی است. تهران در مرز شرایط جوی بری و اقیانوسی قرار گرفته و تمایل آن به موقعیت بری بیشتر از وضعیت اقیانوسی است. تهران دارای اقلیم نیمه‌خشک است. شمال شهر به دلیل ارتفاع بیشتر خنک‌تر از دیگر مناطق شهر است. همچنین بافت نامتراکم، وجود باغ‌های کهن، بوستان‌ها، فضای سبز حاشیه بزرگراه‌ها و کم بودن فعالیت‌های صنعتی در شمال شهر نیز کمک کرده‌اند تا هوای مناطق شمالی به‌طور متوسط ۲ تا ۳ درجه سانتی‌گراد خنک‌تر از مناطق جنوبی شهر باشند (مهندسان مشاور نقش جهان - پارس، ۱۳۸۲).

تهران تا پیش از بنیان‌گذاری سلسله قاجار و برگزیده شدن به عنوان پایتخت ایران، شهری کوچک با ۱۵۰،۰۰۰ تن جمعیت در سال ۱۱۶۴ بود؛ اما از آن زمان به بعد، جمعیت آن رو به رشد نهاد و در اواسط دوره قاجار به بزرگ‌ترین شهر ایران تبدیل شد. در سرشماری سال ۱۲۶۴ جمعیت تهران ۱۴۷۲۰۶ نفر اعلام شد. ۱۰۱۸۹۳ نفر از تهرانی‌ها در

آن زمان مالک و ۴۵۳۶۳ نفر مستأجر بودند. بر اساس نخستین سرشماری رسمی که در سال ۱۳۳۵ انجام گرفت، این شهر با ۱۵۶۰۹۳۴ تن جمعیت، پرجمعیت‌ترین شهر ایران بوده است (جمعه پور، ۱۳۸۶: ۲۷ - ۵۵). همچنین بر پایه آخرین سرشماری رسمی که در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت، جمعیت تهران، ۸۶۹۳۷۰۶ تن بوده است. توزیع جمعیت در مناطق دارای پراکندگی بسیاری است. غرب تهران با وجود پهناوری بیشتر دارای جمعیت کمتری است. این می‌تواند به علت وجود فرودگاه مهرآباد در غرب شهر تهران باشد. همچنین میزان زادآوری در جنوب شهر تهران بیشتر است. خوابگاه‌های دانشجویی در منطقه ۶ تهران، بافت جمعیتی و اجتماعی این منطقه را کاملاً تحت تأثیر قرار داده است (جمعه پور، ۱۳۸۶: ۲۷ - ۵۵).

بر پایه بررسی‌های نمونه‌برداری جمعیتی از مردم تهران، بیش از نیمی از ساکنان استان تهران در دو نسل اخیر به این استان مهاجرت کرده‌اند. بیشترین علت مهاجرت به تهران به دلیل پیروی از خانوار و سپس جستجوی کار بوده است. بیشتر مهاجران از شهرهای شهرستان‌های دیگر در استانهای دیگر به تهران آمده‌اند که بیشتر آن مربوط به شهر تهران است. آذربایجانی‌های تهران که عموماً ترک‌های تهران و آذری‌های تهران نامیده می‌شوند، دومین گروه بزرگ قومی تهران پس از اقوام فارسی‌زبان هستند که جمعیت آذری‌ها در حدود ۲۵ درصد تهران است که در سراسر کلان‌شهر تهران پراکنده هستند. مازندرانی‌ها با دو میلیون جمعیت سومین قوم بزرگ تهران هستند (احمدی پور، ۱۳۷۸: ۲۷ - ۳۵). شرایط سخت جنگ در کشورهای همسایه ایران یعنی افغانستان و عراق موجی دیگر از مهاجران را وارد شهر تهران کرد. با وجود اینکه بسیاری از مهاجران افغانی و عراقی بعد از بهتر شدن وضعیت کشورشان و با همکاری آژانس کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان، ایران را ترک کردند با این حال هنوز جمعیت قابل توجهی از این مهاجران در تهران زندگی می‌کنند و بخشی از مردم تهران شده‌اند. مردم تهران شیعه دوازده امامی هستند و ادیان و مذاهب مسلمان (سنی)، تصوف، زرتشتی، بهایی، یهودی، مسیحی (شامل: آشوریان نسطوری، ارمنی، کاتولیک، ایرانیان پروتستان، کلیسای خانگی ایرانیان، جماعت مسیحی ربانی، مسیحیان ارتدکس روس) و خداناباوران نیز در اقلیت هستند (جمعه پور، ۱۳۸۶: ۲۷ - ۵۵).

تهران در برابر بسیاری از رخدادهای و خطرات طبیعی از جمله زمین‌لرزه آسیب‌پذیر است. بررسی‌های زمین‌شناسی انجام شده بیانگر آن است که شهر تهران روی گسل‌های زیادی قرار دارد. با گسترش فضای شهر، ساخت‌وسازهایی نیز در حریم یا روی گسل‌های بزرگ و لرزه‌خیز انجام شده است. افزون بر آن، دشت تهران و شهر ری دارای شکستگی‌هایی است که ممکن است به هنگام لرزش گسل‌های بزرگ، دچار لغزش و جابه‌جایی شوند. با بررسی زمین‌لرزه‌های روی داده در گستره تهران و پیرامون آن، زمین‌لرزه‌هایی به بزرگی ۷/۷ درجه ریشتر را می‌توان یافت. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که گسل‌های مشا در ارتفاعات البرز و گسل گرمسار فعالیت بیشتری داشته‌اند (تقوایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۷). از سیل نیز توسط مقامات شهری تهران به عنوان خطری جدی یاد شده است. اختلاف ارتفاع زیاد، ساخت‌وساز در حریم یا بستر رودها و مسیل‌ها، شرایط اقلیمی ویژه، وجود رودخانه‌هایی نظیر رودخانه کرج، مسیل‌های پرشمار دیگر و قرار گرفتن شهر در پای کوه از جمله دلایل اصلی تهدید تهران توسط سیلاب است (همان، ۱۳۹۶: ۲۷).

تهران علاوه بر این که مرکز سیاسی کشور است، مهم‌ترین قطب اقتصادی آن نیز است. با این که تنها ۱۱ درصد جمعیت کشور در تهران زندگی می‌کنند، حدود ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی ایران مربوط به این شهر است. البته

توزیع این حجم عظیم تولید در بین مردم یکنواخت نیست، به طوری که بیش از ۸۰ درصد این فعالیت اقتصادی تنها در اختیار ۱۰ درصد جمعیت این شهر قرار گرفته است که عمدتاً در نواحی ثروتمند شمال شهر ساکن هستند. قیمت زمین در برخی نقاط شهر تهران جزء گرانترین‌ها در کل جهان است. بیش از ۱۵۰۰ سازمان دولتی هم‌اکنون در تهران فعالیت می‌کنند و گرانترین ساختمان‌های تهران نیز در اختیار این سازمان‌های دولتی است (دانش فرد و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۹ - ۶۰). تهران با جمعیتی حدود ۹ میلیون و مساحتی حدود ۵۷۴ کیلومترمربع، تولید ناخالص داخلی برابر ۸۸ میلیارد دلار دارد که این شهر را در رده پنجاه و ششمین شهر ثروتمند جهان و بالاتر از شهرهایی چون ریاض، لیسبون، برلین، بیرمنگام، لیون و هامبورگ قرار داده است، هرچند که همچنان با شهرهایی با جمعیت مشابه خود مانند لس‌آنجلس (با جمعیت حدود ۱۱،۰۸ میلیون تن) که تولید ناخالص داخلی آن ۶۳۹ میلیارد دلار است یا لندن (با جمعیت ۸،۰۳ میلیون تن) با تولید ناخالص داخلی ۴۵۰ میلیارد دلار فاصله دارد. بخش خدمات سهمی ۷۸ درصدی در تولید ناخالص داخلی تهران دارد و پس از آن به ترتیب بخش‌های صنعت (۱۴ درصد) و کشاورزی (۸ درصد) قرار دارند. در بخش خدمات در استان تهران، رشته فعالیت‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی با ۲۸ درصد و مستغلات و کسب و کار با ۲۵ درصد بیشترین سهم را در تولید ناخالص داخلی دارند.

فعالیت‌های خدماتی تهران در داخل شهر و فعالیت‌های صنعتی (زمین‌بر) در حومه آن متمرکز هستند. در دهه گذشته تراکم بالای جمعیت و گران بودن مسکن در این شهر هجوم تازه‌واردان به درون شهر را محدود کرده و در نتیجه درصد رشد جمعیت آن کاهش یافته است اما این امر سبب استقرار آن‌ها در حومه شهر به عنوان مناطق خوابگاهی شده، به طوری که در حالی که سایر مناطق روستایی کشور با کاهش نسبی جمعیت و مهاجرت به شهرها مواجه‌اند، روستاهای تهران برعکس مهاجرپذیرند و رشد جمعیت آن‌ها از ۵/۶ درصد به ۶/۷ درصد رسیده است. به همین دلیل سهم جمعیتی شهر تهران نسبت به استان تهران در چند دهه گذشته به سرعت کاهش یافته و از ۹۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۲ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۵۸ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است؛ بنابراین در کل هرچند که مجموعه شهری تهران همچنان مهاجرپذیرترین مجموعه شهری در کشور است اما این مهاجران به جای خود شهر رفته‌رفته حومه آن را به عنوان مقصد خود انتخاب کرده‌اند (دانش فرد و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۹ - ۶۰).

یافته‌ها

عدالت اجتماعی از جذاب‌ترین شعارهای مکاتب بشری در طول تاریخ بوده است؛ در دهه‌های اخیر نیز یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که دانشمندان علوم اجتماعی به آن توجه دارند. این مسئله ناشی از رویکرد واقع‌بینانه همه رشته‌های علوم انسانی به فرایند نابرابری در جهان می‌باشد. در عصر حاضر، اصلی‌ترین دلیل بحران‌های جوامع بشری در نابرابری اجتماعی و بی‌عدالتی ریشه دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶؛ ۶۵). عدالت اجتماعی از جمله مفاهیمی است که در تاریخ زندگی بشر، کاربردها و برداشت‌های مختلفی داشته است؛ به گونه‌ای که فردی از طبقه پایین اجتماعی با فردی با پایگاه اقتصادی بالا، فردی مسلمان با فردی غیرمسلمان، شهروند ساکن در منطقه مرفه‌نشین پایتخت با یک فرد ساکن در روستای دور افتاده و غیره هر یک دیدگاه متفاوتی از عدالت دارند. بنابراین عدالت نیز به زمان و مکان و نوع روابط نظام و ساختارهای اجتماعی وابسته است (حاتمی‌نژاد و راستی، ۱۳۸۵؛ ۳۹). گویا چشم‌انداز حیات بدون عدالت، تاریک جلوه می‌کند؛ از این رو جغرافی‌دانان نیز در دهه‌های پیشین بیش از گذشته به تأثیر

عدالت اجتماعی و نابرابری در مورفولوژی و سازمان‌یابی فضایی شهرها توجه دارند (مرصوصی، ۱۳۸۳، ۱۸). جان استوارت میل، نخستین کسی است که اصطلاح عدالت اجتماعی را به معنای امروزی به کار برد. طبق نظر او عدالت اجتماعی یعنی جامعه، رفتار یکسانی با همه کسانی داشته باشد که شایستگی دارند (Miller, 1999: 2). دیوید اسمیت نیز نخستین جغرافی‌دانی بود که درباره رفاه و عدالت اجتماعی در جغرافیا سخن گفت (اسمیت، ۱۳۸۱؛ ۱۶۹). دیوید هاروی به‌کارگیری عدالت اجتماعی را در تحلیل‌های جغرافیایی، انقلاب در اندیشه‌های جغرافیایی می‌داند (شکویی، ۱۳۹۱: ۱۴۱). هاروی در تعریف عدالت و عدالت اجتماعی چنین می‌آورد: «عدالت به عنوان اصل (یا مجموعه‌ای از اصول) در نظر گرفته می‌شود که برای حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است. عدالت اجتماعی نیز در واقع، کاربرد خاص این اصول برای غلبه بر تعارضاتی است که لازمه همکاری اجتماعی برای پیشرفت افراد است» (هاروی، ۱۳۷۶؛ ۹۷). مفهوم عدالت اجتماعی برخلاف تصور رایج، مفهومی به‌غایت ذهنی و سیال است؛ به طوری که مضمونی عینی، مشخص و قابل قبول برای همگان تصور نمی‌شود (غنی‌نژاد، ۱۳۷۹؛ ۱۳). آنچه در این بین، مهم می‌نماید نیاز به مفهوم عدالت فضایی به صورت نمود عینی عدالت اجتماعی است (soja, 2010: 9). به زبان ساده، عدالت فضایی ارتباط‌دهنده عدالت اجتماعی و فضا است؛ از این رو تجزیه و تحلیل برهم‌کنش بین فضا و اجتماع در فهم بی‌عدالتی‌های اجتماعی و شیوه تنظیم سیاست‌هایی برای کاهش یا حل آن‌ها ضروری است (Dufaux, 2008: 2). موضوع عدالت فضایی، طی دو دهه گذشته، توسعه زیادی یافته است؛ ولی تاکنون برنامه‌ریزان از ارائه ارزیابی کامل و همه‌جانبه از عدالت فضایی ناتوان بوده‌اند؛ زیرا عدالت فضایی تا به حال به‌آسانی عملی نبوده است (Kinman, 199: 663). از طرف دیگر، مطالعات علمی اندکی درباره عدالت فضایی تسهیلات عمومی شهری صورت گرفته است و مطالعات انجام‌شده نیز بیشتر در موضوع واحد از تسهیلات متمرکز شده است (Tsou et al, 2005: 42).

از دیدگاه جغرافیایی، عدالت اجتماعی شهر مترادف با توزیع فضایی عادلانه امکانات و منابع، بین مناطق مختلف شهری و دست‌یابی برابر شهروندان به آنها است؛ زیرا توزیع‌نشده عادلانه امکانات و منابع به بحران اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی منجر می‌شود (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۷؛ ۷۲). بی‌عدالتی در دسترسی به خدمات، عملی است که نابرابری‌های اجتماعی درون جامعه را افزایش می‌دهد. تالن و انسلین معتقدند برای تحلیل عدالت فضایی باید بر مقایسه توزیع مکانی تسهیلات و خدمات عمومی با توزیع مکانی گروه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی تأکید بیشتری صورت گیرد (Anselin, 1998: 598 & Talen). به طور کلی، عدالت فضایی مرکز اصلی برنامه‌ریزی تأسیسات شهری و شاخه‌ای از عدالت اجتماعی است. دیوید هاروی معتقد است عدالت اجتماعی به عنوان یک مفهوم باید از طریق روش‌های تجزیه و تحلیل جغرافیایی صورت پذیرد (Ebrahimabadi, 2008: 19).

کاربری‌ها و خدمات شهری از جمله عوامل مؤثر و مفیدند که بین محلات، عدالت فضایی را برقرار می‌سازند. بنابراین، عدالت فضایی مبنای رسیدن به هدفی بزرگتر یعنی عدالت اجتماعی و اقتصادی و به عبارت دیگر لازمه رسیدن به عدالت اجتماعی است (هاروی، ۱۳۷۶). آمایش سرزمین مفهومی ناشناخته در میان برنامه‌ریزان، به ویژه برنامه‌ریزان بخشی است و کمتر در محافل علمی مورد بحث و انتقاد قرار گرفته است (اسمیت، ۱۳۸۱). با این وجود می‌توان گفت: آمایش سرزمین، تدبیر، تنظیم شرایط، ایجاد تعادل در بهره‌گیری از توانمندی طبیعی، تطبیق با نیازهای انسانی و کاهش نابرابری و جلوگیری از نبود تعادل‌های جدید است. در حقیقت ماهیت آمایش سرزمین

مبتنی بر توسعه منطقه ای و درک منطقه ای است. توسعه کشورها با منابع مالی ارتباط اولیه ندارد، بلکه به عامل نظم و فکر وابسته است و مبانی آمایش سرزمین پایه نظم و فکر را بوجود می آورد (غنی نژاد، ۱۳۷۹).

آمایش سرزمین این زمینه را فراهم می کند که برنامه ریزی منطقه ای، بخشی و استانی به شکل واقعی انجام شود و از برنامه ریزی متمرکز فاصله بگیریم. مدت ها گرایش بر این بوده است که اقتصاد را تقریباً براساس تولید و مصرف ملی به طور کلی مورد قضاوت قرار می دادند. اما همانطور که نظریه پردازان بزرگ اظهار داشته اند، تصمیم گیری در باره اینکه پروژه ای جدید در کجا واقع شود به اندازه تصمیم گیری درباره سرمایه گذاری پروژه اهمیت دارد. به طور کلی می توان گفت هدف آمایش سرزمین این است که اجازه دهد جمعیت هر منطقه ای بتواند به همان خوبی که می تواند در جای دیگری زندگی کند، در منطقه خود هم به زندگی بپردازد. بنابر یکی از معتبرترین تعاریف از آمایش سرزمین طرح توزیع بهتر جمعیت با توجه به منابع طبیعی و فعالیت های اقتصادی است که هدف آن فقط اقتصادی نیست و رفاه و توسعه کامل ظرفیت های بالقوه جمعیت را در نظر دارد (شکویی، ۱۳۹۱).

در چنین بعد فضایی، فعالیت ها در برنامه ریزی سرزمین مورد توجه قرار می گیرد. این برنامه ریزی با هدف بهترین استفاده از نیروی انسانی و منابع طبیعی مختلف سرزمین انجام می شود، هرچند که کانون اصلی این نوع برنامه ریزی همواره کارایی اقتصادی است. یکی از شاخص های اقتصادی و معیارهای توسعه یافتگی، میزان انطباق برنامه های اجرایی با مبانی و مطالعات جامع آمایش سرزمین است. اگر برنامه های اجرایی و عملیاتی سازمانها بر اساس مولفه های آمایش سرزمین تنظیم شده باشد، جهت گیریهای پیشرفت و توسعه را نیز به دنبال دارد (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۷).

اگر به ویژگی ها و ماهیت آمایش سرزمین که جامع نگری است و اگر به اهداف آمایش سرزمین که در توسعه متوازن و توسعه عادلانه و استفاده بهینه از منابع خلاصه می شود، توجه کنیم، نقش مهم آمایش سرزمین در توسعه و پیشرفت بخوبی قابل تبیین است (حاتمی نژاد و راستی، ۱۳۸۵). اگر به مفهوم آمایش سرزمین که معطوف به استفاده درست از قابلیت های سرزمین، سازماندهی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و محیط زیستی برای تحقق آینده مطلوب است، توجه کنیم، به اهمیت آن بیشتر پی می بریم. با بررسی تاریخچه شکل گیری مکاتب آمایش سرزمین، مشاهده می شود که علل شکل گیری مکاتب فوق، حاصل بحرانهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است و برای حل بحرانهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از اهرم آمایش سرزمین بهره گرفته اند (نظریان، ۱۳۸۸). با توجه به ماهیت آمایش سرزمین که مبتنی بر برنامه ریزی استراتژیک است و با توجه به اینکه باید تمهیدات برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور انجام شود، مهارت آموزی و آشنایی با مبانی مولفه های آمایش سرزمین فرصتی را برای تهیه برنامه های بلندمدت با رویکرد استفاده از ظرفیتهای استانی و تعیین سهم مناطق، بخشها و سازمانها در تحقق برنامه ها و اهداف بلند مدت کشور فراهم می کند (کمانرودی کجوری و همکاران، ۱۳۷۷). در این میان سند چشم انداز که بالاترین سند ملی کشور است، وظایفی را برای تحقق اهداف سند معین کرده که این وظایف بر اساس جریان برنامه ریزی عملی می شوند و برنامه های آمایش بیشترین نقش را در جریان برنامه ریزی دارد. تکالیف قانونی از جمله ماده ۱۸۳ برنامه پنجم توسعه کشور دستگاهها را مکلف کرده است که برنامه ها و فعالیتها را با رویکرد برنامه ریزی و آمایش سرزمین تهیه و تنظیم کنند و اراده و عزم دولت و مجلس در این خصوص، ضرورت

مهارت آموزی در حوزه آمایش سرزمین را بیان می‌کند (ازنگ و همکاران، ۱۳۹۰).

از مسائل مهم و کلیدی که در کنار برنامه‌ریزی‌های کلان و بخشی باید مستقلاً به آن پرداخت، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، روند جامعی از برنامه‌ریزی منطقه‌ای را ارائه می‌کند. این شکل از برنامه‌ریزی برای به‌کارگیری برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سطح یک کشور بهترین مکمل برای برنامه‌ریزی کلان و بخشی است. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین چون با دیدی وسیع و همه‌جانبه به فضای ملی نگاه می‌کند، همه مناطق کشور را با حوصله و دقت و از جهات مختلف مورد مطالعه و شناسایی قرار می‌دهد. سپس بر اساس توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و استعدادهای هر منطقه با توجه به یکنواختی و هماهنگی اثرات نتایج عملکردهای ملی آن‌ها در سطح ملی، نقش و مسئولیت خاصی را به هر منطقه محول می‌کند (داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۰).

مهم‌ترین خصوصیات آمایش سرزمین، جامع‌نگری، دوراندیشی، کل‌گرایی، کیفیت‌گرایی و سازماندهی فضای کشور است. هدف آمایش سرزمین، توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در سرزمین است، به‌گونه‌ای که هر منطقه متناسب با قابلیت‌ها، نیازها و موقعیت خود از طیف مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشد و جمعیتی متناسب با توان و ظرفیت اقتصادی خود بپذیرد. به عبارت دیگر، هدف کلی آمایش سرزمین عبارت است از سازماندهی فضا به‌منظور بهره‌وری مطلوب از سرزمین در چارچوب منافع ملی. آمایش سرزمین زیربنای سازماندهی توسعه منطقه‌ای است و به بیانی دیگر ابزار اصلی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای و ملی است (Averroes, 1956). آمایش سرزمین، زمینه اصلی تهیه برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی هر منطقه را فراهم می‌آورد و ابزار اصلی تلفیق برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی با برنامه‌ریزی‌های فیزیکی و فضایی خواهد بود. از آن‌جا که برای تحقق اهداف توسعه، باید همه منابع اجتماعی را اعم از منابع انسانی، اقتصادی و منابع فضایی و محیطی به کار گرفت و به‌کارگیری همه این‌ها مستلزم برنامه‌ریزی است، بنابراین آمایش سرزمین مبنای طرح‌ها و برنامه‌های جامع توسعه بوده و پیوند دهنده برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فضایی یا مجموع آنان در قالب برنامه‌ریزی جامع و در مقیاس ملی و منطقه‌ای است (Bentham, 1986).

در بحث آمایش سرزمین، مقوله فضا و تحلیل قانونمندی‌های حاکم بر شکل‌گیری آن، کلیدی‌ترین نقش را در برنامه‌ریزی دارد. به‌طور کلی در مورد فضا برداشت‌ها و تعبیر مختلفی وجود دارد، اما در مجموع می‌توان گفت فضا دربرگیرنده و حاصل روابط متقابل اقتصادی - اجتماعی بخشی از جامعه در محیط مشخصی از سرزمین است و سازمان فضایی تبیین روابط بین انسان و فضا و فعالیت‌های انسان در فضا است (Fainstein, 2005). سازمان فضایی سیمای کلی و چگونگی پراکنش و اسکان جمعیت و توزیع استقرار و ساختار اقتصادی - اجتماعی و کنش‌های متقابل بین آن‌ها را مشخص می‌سازد. با شناخت روند سازمان‌یابی فضا می‌توان دریافت که تحولات ملی به چه سمت و سویی گرایش دارد و در نتیجه در توافق با استراتژی توسعه کشور هست یا نه. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که در برنامه‌ریزی فضای ملی، کدام روندها را باید تقویت یا تضعیف کرد یا به وجود آورد. عواملی که منجر به شکل‌گیری یک سرزمین یا یک فضا (عوامل ارادی و غیر ارادی) می‌شود، عبارتند از عوامل ارادی یا غیر ارادی. عوامل غیر ارادی عواملی هستند که اراده انسان، حداقل در شرایط حاضر نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر و تحول آن‌ها ندارد. اما عوامل ارادی را در سه گروه ساختار اقتصادی، ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی و نظامی و تغییر و تحولات فراملی طبقه‌بندی می‌کنند (Fainstein, 2010). به هر صورت باید گفت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، افزون بر تنظیم و

هماهنگ کردن برنامه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی با نیازها و امکانات محلی، فرآیندی است برای مشارکت مردم و مناطق در برنامه‌ریزی و فراهم آوردن موجبات برنامه‌ریزی از پایین به بالا در جهت انطباق برنامه‌های کلان ملی با ویژگی‌های ناحیه‌ای. برنامه‌ریزی منطقه‌ای از نظر جغرافیا و فضا، وجوه مشترک فراوانی با آمایش سرزمین دارد و در این خصوص تجارب جهانی هم حکایت از این واقعیت دارد که این دو (برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین) باید در کنار هم و بلکه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در چارچوب آمایش سرزمین انجام پذیرد (Farabi, 1961).

امروزه تهران به واسطه تراکم مشکلات در ابعاد طبیعی و انسانی، مهم‌ترین چالش مدیریت سیاسی فضا در کشور است. از مهم‌ترین ابعاد این چالش، تراکم جمعیت و فقدان مدیریت هماهنگ برای چیره‌شدن بر این مشکل و مشکلات ناشی از آن است. از آنجا که نمی‌توان از نظر فضایی تهران را جدا از پس‌کرانه دور و نزدیک در نظر گرفت، اولین مسأله‌ای که به چشم می‌آید فقدان عدالت فضایی/جغرافیایی در این پس‌کرانه‌ها است. مشکلات تهران در سه مقیاس کالبدی- سکونت‌گاهی، منطقه‌ای و ملی قابل تحلیل هستند. فقدان رویکرد آمایش و توسعه پایدار در مقیاس ملی، منطقه‌ای و محلی در نظام برنامه‌ریزی ایران قبل از هر چیز منجر به تمرکزگرایی شدید و نهادینه شده و شکل‌گیری الگوی مرکز پیرامون در کشور را نیز در پی داشته است. عملکرد برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب نیز به نامتوازن شدن الگوی حاکم بر ساختار فضایی کشور منجر شده است. همچنین بی‌عدالتی فضایی/جغرافیایی در کشور و به تبع آن در استان تهران و همچنین فقدان مدیریت یکپارچه در مدیریت شهری تهران مشکلات امروز تهران را سبب شده است. برای حل مشکلات تهران و اداره بهینه آن باید با توجه به منابع موجود با رویکرد آمایش عادلانه به فضا و در قالب استراتژی آمایش سرزمین با استفاده از تاکتیک عدالت فضایی در سه افق کوتاه، میان و بلندمدت برنامه‌ریزی کرد، تا زمینه اداره بهینه شهر تهران فراهم شود.

از آنجا که شهرها بخش عظیمی از جمعیت دنیا را در خود جای داده‌اند و این جمعیت در آینده روبه فزونی است، همچنین عامل اصلی توسعه فرهنگی و اقتصادی کشورها در واقع شهرها به شمار می‌آیند و به دلیل رشد و گسترش بی‌وقفه و روزافزون جمعیت شهرهای بزرگ که عواملی از جمله مهاجرت مردم از روستاها و شهرهای کوچک و همچنین رشد موالید و کاهش میزان مرگ‌ومیر باعث این امر است، توجه به توسعه شهرهای بزرگ اهمیت زیادی پیدا کرده است. ولی آنچه در اینجا مسئله اصلی و قابل تامل است، این است که توسعه این شهرها چگونه و به چه صورتی باید صورت گیرد که نیازهای آیندگان را تأمین کند و با اصول توسعه پایدار مطابقت داشته باشد. امروزه شاهدیم که دنیا به معنای واقعی تحت سلطه شهرهاست؛ شهرهایی که منابع آنها از همه جا فراهم می‌شود و ضایعات آنها به اتمسفر، رودخانه‌ها و... می‌رسد؛ بنابراین لازم است تا تجدید نظری درباره روش‌های توسعه نظام شهری صورت گیرد. یافتن روش‌هایی برای به حداقل رساندن تأثیرات شهری روی جنگل‌ها، مزارع، محیط‌های آبی و هوا ضروری است. بدین منظور لازم است روش‌های معقولی را در نظر گرفت تا روابط پایدار بین شهرها و محیط زیست جهانی برقرار شود. در سطح بین‌المللی و با توجه به معیارهای جهانی در زمینه توسعه شهرها به گونه‌ای که در تطابق با اصول زیست محیطی و توسعه پایدار باشد، توسعه شهرهایی همچون کلانشهر تهران چگونه باید صورت گیرد؟ برای پاسخ به این سؤال، در جهت بهبود اوضاع شهرهای مدرن همچون کلانشهر تهران، با توجه به نیازهای آیندگان، دیدگاه‌های توسعه شهری با گسترش اصل توسعه پایدار و مباحث مربوط به آن، نظم بیشتری یافته و در واقع سعی

می‌شود با تکیه اصلی بر بحث زیست‌محیطی توسعه پایدار، پاسخی مناسب ارائه شود. در واقع در فرایند توسعه پایدار مردم یک شهر یا منطقه و یا کشور بدون آنکه به منابع متعلق به نسل‌های آینده لطمه‌ای وارد آورند سعی در بهبود کیفیت زندگی خود و استفاده از منابع طبیعی دارند به گونه‌ای که نسل‌های آینده نیز از نظر تأمین منابع به خطر نیفتند. به این شکل که آنها سعی می‌کنند با استفاده از منابع اعم از آب و خاک و... سطح زندگی خود را ارتقا دهند و در ضمن حفظ این منابع برای نسل‌های آتی را نیز تخریب نکنند؛ در واقع ضمن بهره‌برداری از منابع طبیعی، این منابع حداقل به میزان نسل کنونی در دسترس نسل‌های آینده قرار گیرد. اگر چه ویژگی‌های شهرهای بزرگ و کوچک جهان بسیار با یکدیگر متفاوتند اما بسیاری از مقوله‌های پایداری شهری مشابه هم هستند. این روزها اغلب در همه جای جهان جوامع باید تصمیم بگیرند که چگونه تراکم و ازدحام ماشین‌ها را کاهش دهند، آلودگی‌های موجود در هوا یا زمین‌های آلوده را پاکسازی کنند، دسترسی به مسکن مناسب را برای همگان تأمین کنند، زیرساخت‌هایی فراهم کنند که به جای تخریب و زوال، سبب تقویت محیط‌های طبیعی شوند، مشاغل پایدار محلی را به وجود آورند و برابری و کیفیت زندگی را ارتقا دهند. بسیاری از اقدامات مرتبط با موضوع پایداری می‌توانند به جای کشورهای صنعتی، در کشورهای در حال توسعه اتفاق بیفتند.

برای نائل شدن به الگوی توسعه پایدار شهری نگاه و تامل در چند شهر نمونه در جهان که توانسته‌اند این الگو را اجرا کنند و مقایسه آن با شهر تهران و اقدامات انجام گرفته در این شهر می‌تواند کمکی در راستای اجرای این الگو محسوب شود. با نگاهی کوتاه به شهرهای پیشرفته درمی‌یابیم رویکردی همه‌جانبه نسبت به الگوی توسعه پایدار در این شهرها وجود دارد که به وضوح نشانگر اهمیت اصول توسعه پایدار نزد سیاستگذاران شهری آنهاست. پرواضح است که توسعه بدون اعتنا به فرهنگ، اقلیم و منافع درازمدت شهروندان می‌تواند آسیب‌های بسیار جدی به شهر و شهروندان وارد آورد. با نگاهی به شهر تهران درمی‌یابیم مقیاس شهر تهران هم‌اکنون نیز تا سرحد غیرقابل تصور بزرگ است. این شهر برای تأمین منابع و دفع ضایعاتش به شدت به محیط اطرافش وابسته است و این موضوع خود، ناپایداری را ترویج می‌کند و علیه پایداری است. در واقع تهران را نمی‌توان با دستورالعمل‌های بدون پشتوانه کافی علمی در زمینه مدیریت و مسائل شهری راهبری کرد. گستردگی بیش از حد شهر، جمعیت بسیار زیاد این شهر و مسائلی مانند انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی، ترافیک و مسائلی از این دست، مدیریت شهری را در مسیری قرار می‌دهد که راه‌حل‌هایی مناسب همچون اجرای الگوی توسعه پایدار را اتخاذ کند. شهر تهران به علت بزرگی و جمعیت بیش از حد آن، امکان ایجاد شهری پایدار در چشم‌انداز زمانی معقول را بسیار غیرممکن می‌سازد. بنابراین توجه به چگونگی توسعه این شهر از اصلی‌ترین عوامل در اجرای پایداری در این شهر است.

نتیجه‌گیری

توسعه شهر را باید در جهت یک چشم‌انداز متناسب با اصول پایداری پیش ببریم. این چشم‌انداز باید به دور از عملکردهای بدون پشتوانه علمی یا بدون پژوهش کافی در زمینه توسعه شهر باشد. به گونه‌ای که ضمن یافتن بهترین راه جهت تأمین رفاه حال شهروندان بتوان به حداکثر انطباق پذیری با اصل و الگوی توسعه پایدار نیز رسید و در امر توسعه شهری بر امکانات و محدودیت‌های فرهنگ، بستر، اقلیم و منافع درازمدت آینده و نقشی که برای چنین شهری در مجموعه کشور در نظر گرفته شده تأکید شود. طبق گفته کارشناسان مسائل شهری و برنامه‌ریزی شهری، آزاد کردن زمین از بهترین راه‌های توسعه فضاهای خدماتی در شهرهاست. مدیران شهرهای پیشرفته جهان معتقدند

که شهر را باید فشرده و با تراکم بالا ساخت و مانع رشد افقی آن شد.

مسئله خسارات وارده در رشد افقی به مراتب بیشتر از رشد عمودی است. رشد افقی، دشمن توسعه پایدار شهر است، باعث از بین رفتن زمین‌های اطراف می‌شود، فاصله‌های شهری را افزایش می‌دهد و به تبع آن نیاز به حمل‌ونقل طولانی‌تر، مصرف انرژی و تاسیسات زیرزمینی بیشتر می‌شود. راهبرد شهرهای مهم، فشرده‌سازی و افزایش تراکم و رشد عمودی هوشمندانه است. بنابراین در شهری چون تهران افزودن بر ارتفاع شهر می‌تواند راه‌حلی مناسب جهت افزایش فضاهای خدماتی و توزیع مناسب آنها باشد؛ راه‌حلی که نه تنها برای آبادانی بلکه در جهت تحقق هر چه بیشتر الگوی توسعه پایدار نیز هست. نگرانی از جهت خطراتی همچون زلزله نیز با استفاده از تکنولوژی‌های بالا و روز دنیا در امر ساخت‌وساز کاسته می‌شود. در واقع کارشناسان برنامه‌ریزی شهری معتقدند اگر بتوان با برنامه تهران را از کوتاه‌بودن به بلندمرتبه بودن تبدیل کرد می‌توان فضای بیشتری را آزاد کرد و بهتر و عادلانه‌تر به توزیع فضاهای خدماتی پرداخت.

الگوهای فشرده توسعه شهرهای قدیمی اروپا با وجود الگوهای فشرده توسعه، سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی مناسب، اختلاط مغازه‌های کوچک و خانه‌ها و گرایش به عبور از پیاده در آنها، مزایای طبیعی بنیادین برای توسعه پایدار شهری را دارا هستند. اقدامات فعلی توسط حکومت‌های محلی، توسعه دهندگان پیشرو و سازمان‌های شهری، بسیاری از این جوامع را به عرصه برنامه‌ریزی پایدار وارد کرده‌اند. در کمتر نقطه‌ای از جهان به اندازه اروپا به بحث پایداری توجه شده است و کمتر می‌توان مدارک مشخص در زمینه اجرای این مفهوم در مورد شهرها و توسعه‌های شهری در جاهای دیگر تا به این حد مشاهده کرد؛ برای مثال سیاست فرانسه در رابطه با آلودگی زمین و مکان‌های آلوده بر پایه چند رویکرد اصلی از جمله مهم‌ترین آنها حفظ، بازسازی و تقویت دوباره زمین‌های شهری و محیط‌زیست طبیعی قرار دارد. همچنین در ژوئن ۲۰۰۳ فرانسه برنامه‌ای را برای کاهش این تأثیرات در تمام بخش‌ها از جمله حمل و نقل، کارخانجات، کشاورزی و ساختمان‌سازی تصویب کرد.

سیاست شورای شهر پاریس تقریباً به‌طور خاص با اصول توسعه پایدار در برنامه‌ریزی شهری یکی شده است. این شهر در حال حاضر پروژه‌هایی را در دست دارد که اهداف محیط‌زیستی دارند. برای رسیدن به این اهداف برنامه‌ریزی شهری شهر پاریس روش‌هایی را آغاز کرده است که پروسه توسعه پایدار را در برنامه‌ریزی شهری از مفهوم تا دستاورد اجرا می‌کنند یا به‌طور مثال در شهرهایی مانند سنگاپور نیز به دلیل رشد سریع شهرها و افزایش سریع جمعیت مردم در مناطق شهری، نیاز به ایجاد مکانی مناسب و دلپذیر برای کار و زندگی را نشان می‌دهد. از سال ۱۹۶۷ دوره بعد از استقلال سنگاپور سیاست متوازن رشد اقتصادی و شهری را در پیش گرفته و در حال حرکت به سمت هرچه بیشتر سبز شدن شهر و تبدیل شهر به باغ شهر است و هدف آن هم تبدیل محیط شهری سنگاپور به مکانی بهتر و مناسب‌تر برای زندگی است. گسترش مشکلات شهری (رشد سریع جمعیت، کمبود مسکن، بیکاری و زیرساخت‌های نامناسب شهری) منجر به از دست دادن پوشش گیاهی طبیعی کشور می‌شود. همزمان با رشد سنگاپور در زمینه‌های حمل‌ونقل و صنعت و خدمات عمومی و ارتباطات و مسکن، برنامه دقیقی برای افزایش اشکال مختلف پوشش‌های گیاهی در شهر انجام شده است که عبارت‌اند از: مناطق سبز بین شهری، باغ‌ها و پارک‌ها، درختان و درختچه‌های اطراف جاده‌ها و راه‌ها، باغ‌های بالای پشت بام‌ها و ...

نتایج مقاله نشان می‌دهد که سازماندهی سیاسی فضایی پایدار در شهر تهران از وضعیت مناسبی برخوردار نیست زیرا به دلیل توزیع نامتعادل امکانات شهری، فقط ۲۳ درصد محدوده شهر تهران که تنها پنج منطقه از ۲۲ منطقه این کلان‌شهر را در برمی‌گیرد، جزو نقاط توسعه‌یافته پایتخت تلقی می‌شود به این صورت که ساکنان مناطق شش، سه، یک، دو و هفت به ترتیب جزو پایتخت‌نشینان دارای رفاه شهری محسوب می‌شوند. چهار منطقه شامل مناطق یک، ۳، ۶ و ۷ به عنوان مناطق فراتوسعه‌ای شناخته شده‌اند. ۸ منطقه شامل مناطق ۲، ۱۳، ۴، ۸، ۱۲، ۵، ۱۱ و ۱۴ نیز در گروه توسعه‌یافته رو به بالا و پنج منطقه ۱۵، ۲۰، ۱۹، ۹ و ۲۱ در گروه میان توسعه‌ای قرار گرفته‌اند. همچنین رتبه‌بندی مناطق بر اساس عامل اقتصادی نشان می‌دهد پنج منطقه محروم یا در کمترین حد توسعه‌یافتگی در سطح شهر تهران وجود دارد که شامل مناطق ۱۰، ۱۸، ۲۲، ۱۶ و نهایتاً منطقه ۱۷ می‌شوند. بر اساس عامل کالبدی-فضایی فقط منطقه ۶ شهر تهران حائز کسب رتبه فراتوسعه‌ای شناخته شده است. همچنین مناطق توسعه‌یافته رو به بالا شامل دو منطقه یک و ۲۲ و مناطق میان توسعه‌ای شامل مناطق ۳، ۱۲، ۱۱، ۲۱ و ۲۰ می‌شود. ۱۴ منطقه باقی مانده شهر تهران نیز در دو گروه محروم یا دارای حداقل سطح توسعه‌یافتگی هستند. البته مناطق شهر تهران با توجه به عامل اجتماعی نیز از میان مناطق ۲۲ گانه پایتخت همچون عامل کالبدی-فضایی منطقه ۶ تهران در گروه فرا توسعه یافته قرار می‌گیرد. مناطق ۳، ۱۱، ۷ و ۱۲ نیز به عنوان مناطق توسعه‌یافته رو به بالا و منطقه یک به عنوان یک منطقه میان توسعه شناخته شده است. در این بررسی ۵۰ درصد مناطق شهر تهران در گروهی قرار گرفته‌اند که حداقل سطح توسعه‌یافتگی را دارند. این گروه شامل مناطق ۲۱، ۲۲، ۸، ۹، ۱۰، ۵، ۲۰، ۴، ۱۳، ۱۶ و ۲ می‌شود؛ و در گروه محروم نیز مناطق ۱۸، ۱۴، ۱۹، ۱۵ و ۱۷ قرار گرفته‌اند. نکته جالب آنکه بیشترین مناطق محروم یا دارای حداقل سطح توسعه در عامل اجتماعی خود را نشان می‌دهد که ۱۶ منطقه را در خود جای داده است. بر اساس عوامل تلفیقی نیز منطقه ۶ تهران به عنوان تک منطقه فرا توسعه‌یافته معرفی شده است. مناطق ۷، ۲، ۱ و ۳ در گروه توسعه‌یافته رو به بالا و مناطق ۱۳، ۴، ۵ و ۱۱ در گروه نیمه برخوردار قرار گرفته‌اند. همچنین ۱۳ منطقه شهری باقیمانده نیز در دو گروه محروم و دارای حداقل سطح توسعه‌یافتگی قرار دارند.

- منابع

۱. اجلالی، پرویز، رفیعیان، مجتبی و عسگری، علی (۱۳۹۱)، نظریه برنامه‌ریزی: دیدگاه‌های سنتی و جدید. چاپ اول. تهران: انتشارات آگه.
۲. بهرام‌پور، مهدی (۱۳۹۳)، شهر عدالت محور (عدالت فضایی در مدیریت شهری در تهران). رساله دکتری شهرسازی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری.
۳. پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۵)، تحلیل مبانی منطقی طراحی سیستم‌های خط مشی‌گذاری معطوف به عدالت: مقایسه آموزه‌های نهج البلاغه و برخی از مکاتب فلسفی سیاسی. مدرس علوم انسانی، ۱۰ (۴): ۴۲-۱۷.
۴. خدوری، مجید (۱۳۹۴)، برداشت مسلمانان از عدالت، ت: مصطفی یونسی و صمد ظهیری. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه مفید.
۵. داداش پور، هاشم، علیزاده، بهرام و رستمی، فرامرز (۱۳۹۴). گفتمان عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری. قم: انتشارات آذرخش.

۶. سن، آمارتیا (۱۳۹۰). اندیشه عدالت. ت: وحید محمودی و هرمز همایون پور. چاپ اول. تهران، انتشارات کندوکاو
۷. سندل، مایکل (۱۳۹۳). عدالت: کار درست کدام است؟ ت: حسن افشار. چاپ اول. تهران، انتشارات نشر مرکز
۸. شرکت عمران و توسعه آذربایجان (۱۳۹۳). گزارش عملکرد شرکت عمران و توسعه آذربایجان
۹. شکوهی بیدهندی، محمد صالح (۱۳۹۳). ارزیابی عدالت فضایی در برنامه‌های توسعه شهری. پژوهش دکتری شهرسازی. تهران: دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
۱۰. صدر، سید محمدباقر (۱۳۶۰)، اقتصاد ما. ت: محمدمهدی فولادوند. چاپ اول. تهران: بنیاد علوم اسلامی
۱۱. فریدمن، جان. (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی در حوزه عمومی: از شناخت تا عمل.. ت: عارف اقوامی مقدم. چاپ اول. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری
۱۲. لینچ، کوین (۱۳۸۱)، تئوری شکل شهر. ت: سید حسین بحرینی. ویراست دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۳. مهندسین مشاور نقش محیط. (۱۳۹۰). طرح توسعه و عمران شهر تبریز.
۱۴. میرجانی، حمید (۱۳۸۹). استدلال منطقی به مثابه روش پژوهش. صفه، ۲۰ (۵۰): ۵۰-۳۵. هاروی، دیوید (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر. ت: فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده. چاپ اول. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)
۱۵. هیلیر، جین (۱۳۸۸)، سایه‌های قدرت: حکایت دوران‌دیشی در برنامه‌ریزی کاربری اراضی. ت: کمال پولادی. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه مهندسان مشاور ایران
۱۶. یعقوبی، داریوش (۱۳۸۸)، درک ایرانیان از عدالت. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه شناسان
۱۷. حیدریان، مسعود و مسعود احدنژاد و شهریور روستایی (۱۳۸۹)، تحلیلی بر نابرابری در توزیع خدمات فرهنگی با رویکرد عدالت اجتماعی با استفاده از GIS (نمونه موردی: شهر زنجان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، دانشکده جغرافیا.
۱۸. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، توسعه و تضاد، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۹. مثنوی، محمدرضا (۱۳۸۲)، الگوی توسعه پایدار و توسعه شهری جدید: شهرهای فشرده و شهر گسترده، مطالعات محیطی، شماره ۳۱، صص ۸۹-۱۰۴.
۲۰. مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۳)، توسعه‌یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران، پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۴، صص ۱۹-۳۲.
۲۱. مهندسان مشاور نقش جهان - پارس (۱۳۸۲)، طرح مطالعات و بررسی مسایل توسعه شهری منطقه شش تهران، جلد اول، تهران، مطالعات کاربری زمین.
۲۲. وارثی، حمیدرضا و همکاران (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱، صص ۱۵۶-۱۳۹.
۲۳. هاروی، دیوید (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
۲۴. اسمیت، دیوید (۱۳۸۱)، کیفیت زندگی: رفاه انسانی و عدالت اجتماعی، ترجمه دکتر حسین حاتم‌نژاد و حکمت شاه‌آبادی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۵ و ۱۸۶، صص ۱۷۳-۱۶۰.
۲۵. سالنامه آماری شهرداری منطقه شش، ۱۳۹۰.
۲۶. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۹)، تاریخی و کلان: عدالت، عدالت اجتماعی و اقتصاد، نشریه اقتصاد، شماره ۵.

۲۷. شکویی، حسین (۱۳۹۱)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی.
۲۸. حاتمی‌نژاد، حسین و رحمت‌الله فرهودی و مرتضی محمدپور جابری (۱۳۸۷)، تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری (مورد مطالعه: شهر اسفراین)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۵، صص ۷۱-۸۵.
۲۹. حاتمی‌نژاد، حسین و عمران راستی (۱۳۸۵)، عدالت فضایی و عدالت اجتماعی: ارزیابی و مقایسه دیدگاه‌های جان رالز و دیوید هاروی، زمین، شماره ۹، صص ۸۲-۹۵.
۳۰. نظریان، اصغر (۱۳۸۸)، پویایی نظام شهری ایران، تهران، انتشارات مبتکران.
۳۱. کمانرودی کجوری، موسی و مظفر صرافی و مصطفی مؤمنی (۱۳۷۷)، ساماندهی اسکان غیررسمی منطقه شش شهرداری تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.
۳۲. ازنگ، هیوا و علی شمعی و تهمورث بهروزی‌نیا (۱۳۹۰)، سنجش کیفیت محیط شهری در منطقه شش شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی تهران.
۳۳. داداش‌پور، هاشم و فرامرز رستمی (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل شیوه توزیع خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر یاسوج)، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۶، صص ۱۷۱-۱۹۸.
1. Averroes, A. (1956), Averroes Commentary on Plato's Republic. Edited by E.I.J. Combridge: Rosenthal.
 2. Bentham, J. (1986), Introduction to the Principles of Morals and Legislation. Oxford: Oxford University.
 3. Fainstein, S. (2005). Planning and the Just City. In Conference on Searching for the Just City, Friends of the Earth. London.
 4. Fainstein, S. (2010). The just city. Ithaca: Cornell University Press.
 5. Farabi, A. N. (1961). [PDF] Fusul al-madani; aphorisms of the statesman. Edited and translated by D. M. Dunlop. Cambridge: Cambridge University Press.
 6. Farabi, A. N. (1964). Kitab al-siyasa al-Madaniya: political science. Edited by F. M. Najjar. Beirut: D. M. Dunlop.
 7. Harvey, D. (1973). Social justice and the city. Tablisi: University of Georgia Press.
 8. Harvey, D. (1990). Social Justice and the City. London: Edward Arnold.
 9. Harvey, D. (1996). Planning the Ideology of Planning. In S. Campbell & S. Fainstein (eds). Reading in Planning Theory. Massachusetts: Blackwell Publishers.
 10. Harvey, D. (2008). The right to the city. New Left Review II, (53): 23-40.
 11. Hayek, F. (1960). Constitution of liberty. Chicago: Chicago University.
 12. Lefebvre, H. (2000). The right to the city, In J. Ockman (ed.) Architecture Culture 1943-1968: A Documentary Anthology. New York: Rizzoli.
 13. Marcuse, P. (2009). Spatial Justice: Derivative but Causal of Social Injustice. Spatial Justice, 1(4): 1-6.
 14. Soja, E. (2013). Seeking Spatial Justice. Minnesota: Minnesota Press.
 15. Kinman, E. L. (1999), Evaluating health services equity at a primary care clinic in Chilmark. Bolivia Social Science & Medicine 49 (5), 663-678.
 16. TsouKo-Wan, Hung, Yu-Ting and Chang Yao-Lin, (2005), an accessibility-based integrated measure of relative spatial equity in urban public Facilities, Department of Urban Planning, National Cheng Kung University, Tainan 70101, Taiwan.
 17. Dufaux, Frederic, (2008), Birth announcement, justice spatial/spatial justice, www.jssj.org. (October 2010).
 18. Ebrahimabadi, M. S. (2008), Accessibility and Street Layout. Master Thesis in Urban Planning and Design. Stockholm: Sweden.
 19. Soja, E. (2010), Seeking Spatial Justice, Publisher: University of Minnesota Press